



متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی (ره) مشهد مقدس رضوی - 1 /فروردین/ 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام علي سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و علي آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المكرمين. سيما بقيّة الله في الارضين. اللهم صلّ علي علي بن موسي الرضا المرتضي، الامام التقي التقي و حجتك علي من فوق الارض و من تحت الثري. الصديق الشهيد صلاة كثيرة تامة زاكية متواصلة متواتره مترادفة. كافضل ما صليت علي احد من اوليائك. قال الله الحكيم في كتابه: «يريدون ليطفؤا نور الله بافواههم والله متمّ نوره ولو كره الكافرون. هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره علي الدين كله و لو كره المشركون.»

اولاً ولادت با سعادت امام همام، حضرت علي بن موسي الرضا عليه الصلاة والسلام را كه امسال با عيد نوروز مقارن و مصادف شده است، براي سال جديد و ملت عزيز و ميهن عزيز و گراميمان به فال نيك مي گيريم. ثانياً هم عيد نوروز و هم اين ولادت بزرگ را به همه شما عزيزاني كه در اين جا اين اجتماع متراكم و با شكوه را تشكيل داده ايد و همچنين به همه ملت بزرگ ايران و به همه مسلمانان و معتقدان به اهل بيت نبوت و رسالت و نيز به همه ايرانياني كه در سراسر جهان هستند، تبريك عرض مي كنم.

امروز فكر كردم كه از فرصت استفاده شود و ضمن اين كه مسائل مهمي را كه مناسب مي دانم در آغاز اين سال جديد هجري شمسي عرض شود، يك نکته قرآني هم مطرح گردد. در واقع، آنچه به عنوان يك مسأله قرآني و اسلامي عرض مي شود، به نظر من با آن مطلبي كه براي ملت عزيز ايران شنيدنش در اين ايام لازم است، منطبق است. آن نکته قرآني اين است كه در آيات متعددي از قرآن كريم، خدائي متعال وعده فرموده است كه دين خدا و دين حق را در مقابل كارشكنيها و دشمنيتها و حسادتها و كين ورزيهاي دشمنان در طول زمان، حفظ خواهد كرد. اين آيه شريفه اي كه مربوط به سوره «صف» است، يكي از آن آيات است: «يريدون ليطفؤا نور الله بافواههم». اين آيه كريمه، راه خدا و دين خدا را به نور، آن هم نور خدا تشبيه فرموده است. نور خدا چون منتسب به حضرت باريتعالی است، طبعاً از همه انواري كه در ذهن بشر مي گنجد - مثل نور خورشيد و نور ستارگان و انوار قويتر از آن - به مراتب و به قدر بي نهايت قويتر است. دشمني دشمنان را هم به پُف كردن با دهان تشبيه کرده است. همان گونه كه كسي پُف مي كند و نور شمع يا چراغي را خاموش مي كند، دشمنان مي خواهند پُف كنند و نور خدا را خاموش كنند! نور خدا طبعاً از همه آنچه كه در ذهن بشر مي گنجد، قويتر است. اگر بگويند كسي نور خورشيد را با هوايي ضعيفي كه از دهان خارج مي كند، مي خواهد خاموش كند، عقلاً بر اين تصميم احمقانه و كودكانه، خنده تمسخر مي زنند؛ چه رسد به نور خدائي متعال.

قرآن كريم، دين حق را به اين نور تشبيه مي كند و تلاش دشمنان را - چه تلاش نظامي، چه تلاش تبليغاتي، چه تلاش سياسي، چه تلاش اقتصادي و كلاً همه آنچه را كه دشمنان، ديروز و امروز و در آينده در مقابل دين خدا عمل کرده اند - به همان هوايي ضعيف و پُفي كه از دهان كسي خارج مي شود، تشبيه مي كند. اين كيد دشمن، چقدر در مقابل اراده ذات مقدس پروردگار ضعيف است. «والله متمّ نوره و لو كره الكافرون». اين، وعده اي است كه خدائي متعال فرموده است. يعني اين طور مسلم گردانیده است كه هر جا حركت و تلاش و نهادي مبتني بر دين خدا پا گرفت، تلاش دشمنان خدا نمي تواند آن را از بين ببرد و نابود كند. البته شرايطي دارد كه آن شرايط، در مجموعه معارف دين ذكر شده است؛ اما اصل و حقيقت مطلب، همين است. ما به تاريخ هم كه نگاه مي كنيم، همين را



مشاهده می‌کنیم و درست هم همین است.

در دنباله این آیه می‌فرماید: «هوآلذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون». آن نکته ای که می‌خواهم عرض کنم، در ضمن این آیه شریفه است. یعنی می‌فرماید که خدای متعال تصمیم گرفته است دین خود، دین حق، راه درست و صراط مستقیم الهی را بر همه ادیان بشری و همه آنچه که در دست بشر وجود دارد - که حق نیست و باطل است - غلبه دهد؛ چه آنچه که از اصل باطل است و چه آنچه که روزی حق بوده و بعد با تصرف متصرفان و تحریفگران، به صورت باطل درآمده است. دین خدا بر همه دینها غلبه خواهد کرد؛ یعنی همه فرهنگهای بشری، همه سیستمهای اقتصادی، همه ی روشهای حکومتی و همه شیوه های زندگی غلط، بالأخره محکوم دین خدا خواهند شد. بگذار چند روز و چند صباحی، به قدر تلاش اصحاب خود و ضعف اصحاب حق جولانی کنند؛ اما در نهایت، دین خدا همه روی زمین را فرا خواهد گرفت و همه انسانها و افراد بشر، از دین خدا بهره مند خواهند شد. این، مضمون این آیه شریفه است.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود، این است که دین خدا چگونه بر روی زمین مسلط خواهد شد؟ آیا دین خدا، با زور و با قدرت سیاسی و نظامی در سطح عالم گسترش پیدا خواهد کرد؟ یقیناً نمی‌تواند این طور باشد. این، هنری نیست که دین و عقیده ای را کسانی که صاحب آن عقیده اند و شمشیر در دستشان است و قدرت دارند، بر روی کشورها و نقاط متصرف خود، اشاعه و گسترش دهند و مردم را مجبور کنند که برطبق این عقیده رفتار نمایند. دین باطل هم می‌تواند همین خصوصیات را پیدا کند. یعنی یک نفر، عقیده غلطی را با شمشیر بر زندگی بشر مسلط کند؛ مثل این که تفکر مارکسیستی و روش زندگی کمونیستی، در چند سالی از سالهای این قرن، به زور بر کشورها و ملت‌هایی مسلط شد و مردم به شیوه کمونیستی زندگی می‌کردند. دین خدا این طور نمی‌خواهد که بر روی زمین، بر کشورها و ملت‌ها و ادیان دیگر غلبه پیدا کند. دین خدا بر دل‌ها مسلط می‌شود و با شمشیر و زور نمی‌شود بر دل مسلط شد. دل باید بفهمد، بپذیرد و از روی طوع و رغبت، زیر بار روش و عقیده و ایمانی برود. این طور که شد، آن وقت از منافع آن ایمان و عقیده دینی، بهره مند خواهد شد. با زور و شمشیر نمی‌شود. نه؛ اسلام چنین چیزی را نخواست است.

البته دشمنان خدا و دشمنان اسلام در طول زمان، در این زمینه حرف‌های نادرست زیادی زده اند که کار به حرف آنها نداریم. عده ای این طور وانمود کردند که اسلام با شمشیر در دنیا منتشر شد. عده ای هم از آن طرف پشت بام افتادند و گفتند اصلاً اسلام شمشیر ندارد! هر دو حرف، غلط بود و هر کدام بحث‌هایی طولانی دارد و من درباره آنها نمی‌خواهم صحبت کنم. سخن من درباره یک مطلب دیگر است که برای امروز مردم و کشور و مسؤولان ما بسیار مهم است. پس، دین خدا و دین اسلام، اگر ادعا می‌کند که بر همه روش‌های زندگی، بر همه شیوه های حکومتی و بر شیوه های اجتماعی و فرهنگ‌های دست ساز بشری مسلط خواهد شد، معنایش این نیست که با شمشیر مسلط می‌شود. اگر با شمشیر نیست، پس با چیست؟ پاسخ به این سؤال، آن نکته اصلی است.

اسلام دو وسیله دیگر دارد که با کمک این دو وسیله می‌تواند بر همه ادیان عالم پیروز شود؛ همه دل‌ها را جذب کند و همه منطق‌های پوشالی مقابل خود را شکست دهد. آن دو وسیله چیست؟ یکی، عبارت است از منطق قوی و استدلال محکم و دلایل متقن که اسلام از آن برخوردار است. دیگری، عبارت از عدالت به معنای حقیقی کلمه و به صورت مطلق است. این، دو ابزار برای پیشرفت اسلام است.

منطق قوی و استدلال محکم در مقابل تصرف افکار مردم دنیا مؤثر است. یعنی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که در طول زمان، فراوان علیه اسلام شبهه درست کردند، به اشکال‌تراشی پرداختند و استدلال سازی کردند تا بلکه بتوانند عقاید اسلامی را سست و موهوم کنند؛ اما عقاید اسلامی به خاطر استحکامی که دارد و چون منطق دنبال تفکر اسلامی است - نه فقط عقاید که احکام اسلامی نیز همین طور است؛ چون متکی به منطق و همراه استدلال است؛



چون هر ذهن صحیح و سالم و اهل و فهم و استدلالی، در مقابل منطق اسلام تسلیم و خاضع می شود - روز به روز گسترش پیدا کرده است.

شما امروز اسلام را با پنجاه سال قبل مقایسه کنید. امروز در کشورهایی که رژیم‌های آنها با همه ابزارهای ممکن با اسلام می جنگند، اسلام رو به گسترش است. به عنوان مثال رژیم ایالات متحده آمریکا با هر وسیله ای که به دستش برسد و بتواند، با اسلام مبارزه می کند - البته ظاهر مطلب را هم حفظ می کند و می گوید من با اسلام معارضه ای ندارم، یا با مسلمانان دشمنی ندارم؛ اما این، یک ظاهر نفاق آلود است، بر ای این که مسلمین را از آنچه که می گذرد، غافل کند - اما در همین کشوری که رژیم آن با اسلام مخالف است و اگر اسلام صحیح و ناب را جایی سراغ کند، با هر وسیله ممکن با آن مبارزه می کند، آن گونه که آمارها نشان می دهد، اسلام دین دوم است. یعنی تعداد مسلمانان در این کشور، بسیار زیاد است و روز به روز نه فقط سیاهان آمریکا، بلکه سفیدپوستان آمریکا - امریکایی‌های نژاد بومی اصلی که شاید چند نسل است که در این کشور هستند - به اسلام گرایش پیدا می کنند. در اروپا همین طور است. در آفریقا همین طور است. در شرق دور همین طور است.

با وجود آن که این همه با اسلام مخالفت می کنند، ولی رو به توسعه است. چرا؟ چون استدلال و منطق، با اسلام همراه است. این استدلال، فقط استدلال دانشگاهی هم نیست که بگوییم فقط دانشمندان این استدلال را می فهمند؛ نه. اسلام در بطن خود، عقاید و احکامی دارد که هر انسان سلیم الطبعی را در مقابل خود جذب و به خود معتقد می کند. مسأله، مسأله استدلال‌های پیچیده و معضل فلسفی فقط نیست که اسلام، از آن هم برخوردار است. استدلال اسلامی که می گوییم، یعنی استدلالی که برای عامه مردم، قابل فهم است. این، یک ابزار است که در اختیار اسلام قرار دارد.

البته در همین جا، من به همه علاقه مندان و عشاق گسترش اسلام عرض کنم که درست نقطه مقابل این پیروزی، آن است که کسانی خرافات را به نام اسلام بیان کنند. بزرگترین دشمنی در این قسمت با اسلام، همین است که کسانی به نام اسلام، به نام دین خدا و به نام محبت اهل بیت علیهم السلام، خرافاتی را اشاعه دهند که وقتی کسانی از این خرافات اطلاع پیدا می کنند، بگویند «اگر اسلام این است، ما این اسلام را نمی خواهیم!» این، ضربه بزرگی است. من در دو، سه سال قبل از این، راجع به قمه زدن مطلبی را گفتم و مردم عزیز ما، آن مطلب را با همه وجود پذیرفتند و عمل کردند. اخیراً مطلبی را کسی به من گفت که خیلی برایم جالب و عجیب بود. برای شما هم آن مطلب را نقل می کنم. کسی که با مسائل کشور شوروی سابق و این بخشی که شیعه نشین است - جمهوری آذربایجان - آشنا بود، می گفت: آن زمان که کمونیست‌ها بر منطقه آذربایجان شوروی سابق مسلط شدند، همه آثار اسلامی را از آن جا محو کردند. مثلاً مساجد را به انبار تبدیل کردند، سالن‌های دینی و حسینیه ها را به چیزهای دیگری تبدیل کردند و هیچ نشانه ای از اسلام و دین و تشیع باقی نگذاشتند. فقط یک چیز را اجازه دادند و آن، قمه زدن بود! دستورالعمل رؤسای کمونیستی به زیردستان خودشان این بود که مسلمانان حق ندارند نماز بخوانند، نماز جماعت برگزار کنند، قرآن بخوانند، عزاداری کنند، هیچ کار دینی نباید بکنند؛ اما اجازه دارند قمه بزنند! چرا؟ چون قمه زدن، برای آنها یک وسیله تبلیغ بر ضد دین و بر ضد تشیع بود. بنابراین، گاهی دشمن از بعضی چیزها، این گونه علیه دین استفاده می کند. هر جا خرافات به میان آید، دین خالص بدنام خواهد شد.

مبلغان دینی، علمای دینی، متفکران دینی، عشاق گسترش اسلام، علاقه مندان به اسلام و اهل بیت علیهم السلام باید توجه کنند که اسلام و قرآن، با استدلال و منطق همراه است. مکتب اهل بیت، با منطق و استدلال همراه است. اگر استدلال را از آن جدا کردند و به جای استدلال، خدای نکرده چیزی را وارد کردند که از منطق دور است و جنبه خرافی دارد، این درست ضد استدلال عمل خواهد کرد. پس، یک ابزار اسلام برای گسترش و غلبه بر همه ادیان و جماعات و ملل و کشورها، عبارت از منطق است و دیگری، عبارت از عدالت اجتماعی است.



فرق عدالت اجتماعی با منطق این است که منطق و استدلال را همه مسلمانانی که حتی در اقلیت هم باشند، می توانند به کسانی که درباره اسلام دچار تردیدند، ارائه دهند. مثلاً فرض بفرمایید، اگر یک دانشمند اسلامی در کشوری زندگی کند که مسلمانان در آن کشور، در اقلیت قرار داشته باشند، می تواند عقاید اسلامی و استدلال و منطق اسلام را ارائه کند. اما عدالت اجتماعی چه؟ عدالت اجتماعی اسلام، فقط در هنگامی قابل ارائه و عرضه کردن است که یک حکومت اسلامی بر پا شود. عدل اسلام در هنگامی است که حکومت اسلامی و نظام اسلامی در کشوری وجود داشته باشد؛ والا عدالت اسلامی چگونه قابل اجراست؟

در قطعاتی از تاریخ که حاکمیت اسلام، حاکمیت حقیقی بوده است - مثل دوران امیرالمؤمنین علیه السلام، یا بعضی از دوران دیگر صدر اسلام - همان مقدار از عدالت اسلامی که باقی مانده، دلها را به خود جذب کرده است. شما ببینید چند نفر از نویسندگان و دانشمندان غیرمسلمان، درباره امیرالمؤمنین علیه السلام کتاب نوشته اند و راجع به عدالت آن حضرت سخن گفته اند؛ به انگیزه عدالت، علی علیه السلام را شناخته اند و به او دل باخته اند. عدالت، این گونه است. اگر جامعه ای که براساس اسلام به وجود می آید، در میان خود، عدالت اجتماعی و عدالت حقوقی و عدالت قضایی و عدالت اجرایی داشته باشد، عدالت به معنای مطلق کلمه در میان مردم اجرا شود و تقسیم صحیح ثروت باشد، خود این عدالت در این جامعه، عاملی برای جذب دلهای ملتها و مردم در همه جای دنیا به سلام است. چرا؟ چون انسانها از بی عدالتی رنج می برند.

امروز در کشورهایی هم که دارای ثروت مادی و علمی فراوان هستند، بی عدالتی هست و عدالت به معنای حقیقی کلمه نیست. لذا اکثریت انسانها در آن کشورها دچار رنجند. چرا؟ چون درباره آنها عدالت اجرا نمی شود. وقتی اینها ببینند که در گوشه ای از دنیا حکومتی وجود دارد و نظامی هست که براساس اسلام شکل گرفته و در این نظام، عدالت مستقر است و مردم از عدالت بهره مندند و در آن، بی عدالتی و زورگویی افراد به یکدیگر و تجاوز و تعرض به حقوق دیگران نیست و در آن مظلومی وجود ندارد که دستش به دادرسی و دادگستری نرسد، نسبت به آن نظام، جذب می شوند. خود این، عامل گسترش اسلام است. پس، عامل دوم گسترش اسلام، عدالت است. عدالت، مقوله ای است که امروز جمهوری اسلامی، مخاطب به آن است.

البته عدالت کامل و مطلق، چیزی نیست که در ظرف دو سال و پنجسال و دهسال، به وسیله انسانهای ناقصی از قبیل ما قابل استقرار یابد. عدالت، مقوله بسیار دشواری است. عدالت، بسیار صعب الوصول و مشکل است. جامعه باید از لحاظ اخلاقی ساخته شود، تا بتوان عدالت کامل را در آن اجرا کرد.

نکته دیگر این که از اول تشکیل حکومت جمهوری اسلامی تا امروز، به فضل پروردگار تلاشهای بسیاری برای استقرار عدالت شده است. آن ظلمها، آن زورگوییها، آن از بالا حقوق افراد جامعه را غصب کردنها، آن مال اندوزیهای قدرتمندان - که آن کسی که در رأس قدرت قرار داشت، از همه مردم کشور ثروتمندتر بود - امری عادی نبود. سلاطین قاجار، سلاطین پهلوی - از قبلها ما درست خبر نداریم و کاری هم با آنها نداریم - آن کسانی که در رأس حکومت بودند و آن کسی که به عنوان پادشاه در این کشور زندگی می کرد و رئیس کشور بود، از همه افراد ملت ثروتمندتر بودند. این، از کجاست؟ مگر جز با ظلم، چنین چیزی ممکن است؟ اموال مردم را می گرفتند. رضاخان هرجا ملک خوبی بود، هرجا چیز چشمگیری بود، هرجا عمارت زیبایی بود، دست می گذاشت و ثروت انبوه عظیمی برای خودش درست می کرد و چقدر از مناطق کشور را که یکجا دست گذاشت و آن را متعلق به خودش کرد! بازماندگان او هم همین طور بودند. در رأس قدرت، بی عدالتی مطلق بود. هرچه از رأس قدرت پایینتر می آمدیم، این بی عدالتی هم پایین تر می آمد و گسترش پیدا می کرد. هر کس در آن نظام دستش می رسید که به دیگری ظلم کند، ظلم می کرد. جلوگیری هم نداشت. جلوداری هم نبود. آن نظامها، این گونه بودند.

در نظام جمهوری اسلامی، بحمدالله مطلب به عکس است. اگر یک وقت هم گزارشی از برخی بی عدالتیها یا تعرضها



و تجاوزها می‌رسد، مطلقاً مربوط به کسانی که در رتبه‌های بالایی حکومت هستند، نیست. آن کسانی که در رأس قدرتند؛ آن کسانی که در رأس حکومتند، زندگی‌هایی مثل زندگی‌های مردم متوسط - بعضاً پایین‌تر از متوسط - دارند، طمع‌ی به مال مردم ندارند، طمع‌ی به مال دنیا ندارند. خدا را شکر می‌کنیم که پروردگار عالم، این سنت و سیره سجدیه پسندیده را در جمهوری اسلامی قرار داد که کسی از مسؤولان نخواهد به ثروت تفاخر کند. آن روزها به ثروت تفاخر می‌کردند، چون یک امتیاز بود؛ ولی امروز ثروت داشتن مسؤولان، یک جنبه منفی است. اگر یکی از مسؤولان دارای ثروتی باشد، مال و منالی داشته باشد، خانه آن چنانی داشته باشد، وضعیت آن چنانی داشته باشد، این یک امر منفی است. هم از نظر مردم بحمدالله منفی است، هم از نظر مسؤولان منفی است، هم آن کسانی که دارند، می‌دانند که یک نقطه منفی است. این، در نظام جمهوری اسلامی، مسأله خیلی مهمی است. این، همان حرکت به سمت عدالت است که از اوّل انقلاب بحمدالله شروع شد - امام بزرگوار ما مظهر پاکدامنی و پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا بود - و بحمدالله رواج داشت. در نظام حکومت امروز هم همین طور است.

بنابراین، هم کارهایی که شده است و هم آنچه که به معنای عدالت مطلق مورد نظر است، یک حرکت بلندمدت لازم دارد؛ ولی آن چیزی که من می‌خواهم به مسؤولان و به مردم عرض کنم، این نکته است که در دوران بازسازی، خطر دنیاطلبی بیشتر از همیشه است. در دوران بازسازی، ثروت‌ها انباشته می‌شود؛ چون دوران بازسازی، دوران تراکم کارها، دوران انباشت ثروت‌ها، دوران افزایش فعالیت‌های اقتصادی و دورانی است که اگر کسی می‌تواند تلاشی بکند و حرکتی اقتصادی بکند، راه برای او باز است. در چنین دورانی، آدم‌هایی که اهل دنیا هستند، آدم‌هایی که دلشان در بند زخارف دنیوی است، آدم‌هایی که منافع شخصی خود را بر منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب ترجیح می‌دهند، دستشان باز است، برای این که بتوانند خدای نکرده به سمت اشرافیگری و زراندوزی و جمع مال و منال و سوءاستفاده بروند. دوران بازسازی، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدم‌های ضعیف به سمت اشرافیگری و تجمل و انباشت ثروت و سوءاستفاده اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسؤولان و هم آحاد مردم.

خدای متعال برای جامعه، غنا و ثروت خواسته است. خدای متعال از جامعه فقیر خشنود نیست و از جامعه مستمند و ملت فقیری که نمی‌تواند زندگی خود را تأمین کند، خوشش نمی‌آید. خدای متعال، برای یک جامعه، غنا و ثروت و داشتن امکانات زندگی و استخراج ذخیره‌های زیرزمینی و امثال اینها را خواسته است. اسلام، این را خواسته است. اسلام از ما خواسته است که روی زمین را آباد کنیم و به ثروت جامعه بیفزاییم. این درست؛ اما در عین حال اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله میان دو قشر از جامعه - قشر فقیر و قشر غنی - فاصله زیاد و دره عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. این طور نباشد که در جامعه، عده‌ای دچار فقر و تنگدستی و تیره‌روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده‌ای ثروت‌های افسانه‌ای درست کنند. این را اسلام نمی‌خواهد. این، خلاف عدالت است. این، همان چیزی است که اگر در جامعه به وجود آمد و به آن میدان داده شد، آن وقت دیگر تأمین عدالت اجتماعی در جامعه، شکل افسانه‌وار به خود خواهد گرفت. دیگر نمی‌شود امیدوار بود که جامعه به عدالت اجتماعی خواهد رسید. باید جلو این را گرفت. آنچه که من می‌خواهم در روز اوّل سال 1376 هجری شمسی و روز ولادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به همه شما، به همه ملت و به همه مسؤولان عرض کنم، همین نکته است.

من دیروز در پیام اوّل سال، به ملت ایران عرض کردم که صرفه جویی را شعار خودتان قرار دهید. صرفه جویی به معنای گدازایی نیست که بعضی بگویند چرا نمی‌گذارید مردم از نعمت‌های خدا استفاده کنند. نه؛ استفاده کنند، ولی اسراف و زیاده روی نکنند. اسراف در جامعه، لازمه اشرافیگری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه تضییع اموال عمومی و نعمت الهی است. صرفه جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می‌گویند - به معنای نخوردن نیست. به



معنای زیاده روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است. اگر جامعه ای بخواهد قناعت و صرفه جویی را - که یک دستور اسلامی است - عمل کند، باید متوجه باشد که در شکل کلی به عدالت اجتماعی و مسأله عدالت پرداخته شود. برای این که بشود این راه را ادامه داد، همه و همه باید کوشش کنند. حال که بحمدالله کشور در راه سازندگی حرکت می کند، از عدالت غفلت نکنند و میدان برای سوءاستفاده کنندگان باز نشود. مسؤولان قضایی، با استحکام دادگاهها و دستگاههای قضایی؛ مسؤولان اجرایی، با دقت در سپردن مسؤولیتهای و کارها و طرحها و ثروتهای به افراد امین؛ مسؤولان قوه مقننه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با وضع قوانین مناسب، باید این زمینه را فراهم کنند.

این که من چندی پیش به مردم عزیز اهواز و خوزستان و در حقیقت به همه ملت ایران گفتم که ما باید گام چهارم انقلاب را که گام نوسازی و تحول معنوی و اخلاقی است، برداریم و در جامعه، به یک معنا این حرکت از همه حرکتها دشوارتر است و خیلی سخت است که انسان از لحاظ اخلاقی، همه جامعه را نوسازی کند و تحول ببخشد و رذایل اخلاقی را کنار بریزد و معنویات را بر جامعه مستقر کند، به خاطر همین است که ما بدون یک تحول اخلاقی عمیق و گسترده، نخواهیم توانست عدالت اجتماعی را آن طوری که مورد نظر اسلام است، انجام دهیم. عدالت، عده ای را زخمی و ناراضی می کند. عدالت، کسانی را که درصدد سوءاستفاده از اموال عمومی اند، به اعتراض وامی دارد. آن کسانی هم که در این مواقع اعتراضی می کنند، کسانی نیستند که دستشان به جایی نرسد. کسی که امکانات و ثروت دارد، می تواند مسأله درست کند. دشمنان خارجی هم به این طور آدمها کمک می کنند.

نظام اسلامی، نظام عدالت است. لذا در آیه شریفه قرآن، فرستادن پیامبران و نازل شدن کتب آسمانی را به هدف اقامه قسط معین فرموده است: «لیقوم الناس بالقسط». جامعه، با قسط حرکت می کند. وقتی در جامعه عدالت بود؛ وقتی هر کس که اهل تلاش و کار و فعالیت است، دید در جامعه می تواند تلاش و کار و فعالیت کند و وقتی همه دیدند کسانی که فرصت طلبند، کسانی که پُررویند، کسانی که متجاوز و متعرض به حقوق دیگرانند، توسط قانون و پاسداران قانون جلوییشان گرفته می شود، به اسلام جذب می شوند. نه فقط آنها، بلکه همه ملتها و کشورها و همه انسانها و همه تشنگان عدالت در دنیا، به سمت اسلام جذب می شوند.

مردم در دنیا به شدت تشنه عدالتند. امروز در کشورهایی که دم از دموکراسی می زنند، بی عدالتی از همه جا بیشتر است. در همین کشور آمریکا، با این که سالهای متمادی می گذرد که رسماً برابری حقوقی سیاه و سفید را روی کاغذ اعلان کرده اند، هنوز که هنوز است، میان سیاهان و سفیدان تبعیض حاکم است. در بعضی از کشورهای اروپایی، تبعیض هست. مسأله نژادی هنوز در آن جاها مطرح است. هنوز که هنوز است، قدرتمندان این کشورها - از جمله در آمریکا - اگر در داخل ملاحظه کنند که کسی، چیزی و جماعتی، با اقتدار مطلق سرمایه داری آنها معارضة ای دارد، بی رحمانه می کوبندش!

کسانی که اهل خبر و مطبوعاتند، به یاد دارند که چند سال قبل در ایالات متحده جماعتی را زنده زنده در آتش سوزاندند! هفتاد، هشتاد مرد و زن و کودک را در آمریکا - در همان جایی که به خیال خودشان سگها و حیوانات حقوق دارند و اگر کسی به گربه یا سگ خود در خانه ظلم کند، ادعا می کنند که علیه اش اعلام جرم خواهد شد - در روز روشن و جلو چشم مردم دنیا در آتش سوزاندند! همین کشور، از تروریست ترین کشورها و دولتهای دنیا - یعنی صهیونیستها - صریحاً حمایت می کند. امروز در دنیا، هیچ نظام و رژیم از لحاظ گرایش به تبعیض و ظلم و فاشیسم و تروریسم، زشت عمل تر و سیاه تر از رژیم صهیونیستی نیست. رژیم صهیونیستی، تروریست و غاصب و نژادپرست و ظالم و متقلب و خدعه گر و حيله گر و اخلاکگر در امور دولتها و کشورها و ملتهاست، که اگر کسی اسناد افشا شده امنیتی آنها را ملاحظه کند، همه اینها را خواهد دید. چنین کشوری، در مقابل چشم مردم دنیا، بزرگترین ظلمها را به اعراب مسلمان صاحب آن سرزمین - نه فقط ساکن آن سرزمین؛ مالک آن سرزمین - می کند. از صد مورد ظلم آنها،



یکی هم مورد تعرض قدرتهای جهانی قرار نمی گیرد و تازه اگر یک مورد از ظلمشان - مانند مورد اخیر - در شورای امنیت مورد تعرض قرار گیرد و قطعنامه ای علیه رژیم صهیونیستی صادر شود، امریکا آن را وتو می کند! شما ببینید چقدر اینها بدکردارند؛ چقدر اینها طرفدار سیاهی و ظلم و زشتی اند.

مردم، امروز تشنه عدالتند. وقتی در نظام جمهوری اسلامی عدالت باشد، از همه جای دنیا مردم گردن خواهند کشید؛ چشم به این حقیقت درخشان خواهند دوخت، آن را تحسین خواهند کرد و به آن جذب خواهند شد. آن وقت این آیه شریفه معنا خواهد شد: «هوآلذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله». این وظیفه است؛ هم وظیفه مردم و هم وظیفه دستگاههای مسؤول. همان طور که عرض کردم، هم دستگاههای قضایی، هم دستگاههای اجرایی و هم قوه مقننه، هر کدام باید ببینند برای تکمیل و گسترش و هوشمندانه اجرا کردن عدالت در سطح کشور و در همه کارها و فعالیتهای اقتصادی - که مقداری بحمدالله وجود دارد، اما باید تکمیل شود - بخصوص در این دوران، چه وظیفه ای متوجه آنهاست؛ آن وظیفه را باید انجام دهند.

مردم، به نظام جمهوری اسلامی با همه وجود علاقه مندند. مردم، مسؤولان و نظام و نمایندگان خود را دوست می دارند. این مردم علاقه مند با اخلاص صادق وفادار وارد در همه میدانهای لازم در جمهوری اسلامی را بایستی با اجرا و گسترش و اعمال عدالت، باز هم به این حقیقت روشن امیدوارتر کرد.

عزیزان من! به شما عرض کنم که این دو آیه با هم است. این آیه می گوید که اسلام در سایه عوامل درونی خود - که عرض کردیم منطق و استدلال از یک سو و عدالت اجتماعی از سوی دیگر است - بر دنیا سیطره خواهد یافت. نه از راه توطئه گری، نه از راه شمشیر، نه از راه کارهایی که دشمنان خدا در جاهای دیگر همیشه کرده اند و دشمنان جمهوری اسلامی همین حالا هم می کنند؛ بلکه از راه منطق و از راه اجرای عدالت. این، یک آیه. آیه قبلی هم این است که «یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم»؛ هرچه می خواهند تهدید کنند. این که خدای متعال، کید دشمن را در مقابل اسلام ضعیف می شمارد، فقط کید کفار قریش در روزگار پیامبر نیست. این، یعنی همه توطئه دشمن، یکجا علیه جمهوری اسلامی. یعنی محاصره اقتصادی. یعنی توطئه تبلیغاتی گسترده در همه جا. یعنی فشارهای سیاسی. یعنی شب و روز نشستن صهیونیستهای و سوسه گر با دیگر قدرتهای ضد جمهوری اسلامی و علیه جمهوری اسلامی شب و روز تلاش کردن. همه اینها را شامل می شود و قرآن می گوید که در مقابل پایبندی این ملت به اسلام و راه خدا؛ در مقابل وحدت و همبستگی این ملت؛ در مقابل عشقی که این ملت را از روز اول به راه خدا و قرآن به حرکت واداشته است؛ در مقابل استقامت و صبر و حکمت و هوشیاری این ملت، همه این قدرتها، همه این توطئه ها، همه این خدعه گریها و همدستیها و همه این دشمنیها، یکجا محکوم به شکست است.

خدا را شکر می کنیم که دلهای ما را از امید به رحمت خودش انباشته کرده است. خدا را شکر می کنیم که در گوشه ای از گوشه های قلب و روح ما، ذره ای یأس و نومیدی از آینده حرکت این ملت بزرگ قرار نداده است. خدا را شکر می کنیم که ملت ما حرکت می کند. به شما عرض کنم برادران عزیز! این حرکت و این تلاش و این همبستگی و این روشن بینی و این هوشیاری - در هر جایی که هوشیاری ملت لازم است - دشمن شما را شکست خواهد داد، شما را پیروز خواهد گرداند، قلب مقدس ولی عصر ارواحناده را از شما خشنود خواهد کرد و روح مقدس امام راحل را از شما شاد خواهد نمود.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، دشمنان این ملت را در هر جا و در هر لباسی که هستند، منکوب و محکوم به شکست فرما. پروردگارا! این ملت را به همه آرزوهای بلند اسلامی اش برسان. پروردگارا! روزبه روز بر شوکت و عزت و قدرت و عظمت این ملت و جمهوری اسلامی بیفز.

والسلام علیکم ورحمةالله